

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۱۷ مهر ۱۴۰۳

موضوع جزئی: آیه ۵۷- بخش اول: «و ظللنا علیکم الغمام...» -

مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۶

جلسه: ۴

تطبیق بخش اول بر ولایت اهل بیت (ع) - بخش دوم: «کلوا من طیبات ما رزقناکم»

## الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

### تطبیق بخش اول آیه بر ولایت اهل بیت (ع)

عرض کردیم آیه ۵۷ شامل سه بخش است؛ بخش اول را در جلسه گذشته تفسیر کردیم. فقط یک تنمهای دارد که به آن هم اشاره کنیم خالی از فایده نیست. ما مسئله تظلیل به وسیله غمام و نزول من و سلوی را بر اساس ظواهر این الفاظ، حمل کردیم بر همین معنای عرفی و لغوی ظاهر و متبادر از اینها؛ غمام که به معنای ابر و من و سلوی هم دو گونه خاص از نعمت‌های مادی است.

در بعضی از روایات، این آیه تطبیق داده شده بر ولایت اهل بیت (ع)؛ در برخی از تفاسیر روایی، این روایت نقل شده است. این روایت در تفسیر برهان آمده است: «قال الإمام العسکری (ع): قال الله عزوجل: و اذکروا یا بنی اسرائیل اذ ظللنا علیکم الغمام لما کنتم فی التیه، یصیبکم حر الشمس و برد القمر»؛ از امام عسکری (ع) وارد شده که خداوند تبارک و تعالی خطاب به بنی اسرائیل فرمود: به یاد بیاورید آن هنگامی را که ما بر شما به وسیله ابر سایه‌بان قرار دادیم؛ برای شما به وسیله ابر سایه درست کردیم، زمانی که در آن بیابان بودید و گرمای خورشید و سرمای ماه (کنایه از گرمای روز و سرمای شب). ادامه آیه را نقل فرموده و بعد فرموده: «و اشکروا نعمتی، و عظموا من عظمته، و وقروا من وقرته ممن أخذت علیکم العهود و الموائیق لهم محمد و آله الطیبین»؛ یعنی شکر نعمت‌های من را به جا بیاورید؛ بزرگ بشمارید کسی را که من او را بزرگ شمرده‌ام؛ کسی را که من او را گرامی داشته‌ام و برای او جایگاه و منزلت خاص قائل شده‌ام، شما هم این چنین کنید. آن وقت توضیح می‌دهد که آن نعمتی که خداوند می‌گوید شکرش را به جا بیاورید، آن کسی که بزرگ داشته است کیست؟ می‌گوید همان کسی است که من از شما برای آنها عهد و میثاق گرفتم. آنها چه کسانی هستند؟ محمد (ص) و آل طیبین و طاهرین او (ع). اینجا غمام و سایه‌بان قرار دادن و آن رزق طبیعی که امر به اکل آن می‌کند، حمل شده بر اهل بیت (ع)؛ می‌گوید آن کسانی که من از شما برای آنها عهد و پیمان گرفتم و آنها را بزرگ داشتم، شما آنها را بزرگ بشمارید. اینها نعمت‌های خداوند است که می‌فرماید شکر آنها را به جا بیاورید. اما طبق این روایت، غمام و من و سلوی تطبیق داده شده بر وجود گرامی اهل بیت (ع)، که انسان را از سردی‌ها و گرمی‌های روزگار، از ضلالت و گمراهی، از تحیر و سرگردانی در وادی زندگی حفظ می‌کند.

بعد در ادامه می‌فرماید: «ثم [قال (ع):] «قال رسول الله (ص): عباد الله، علیکم باعتقاد ولایتنا أهل البيت، و أن لا تفرقوا

بیننا، و انظروا كيف وسع الله عليكم حيث أوضح لكم الحجة ليسهل عليكم معرفة الحق، ثم وسع لكم في التقية لتسلموا من شرور الخلق، ثم إن بدلتهم و غيرتم عرض عليكم التوبة و قبلها منكم، فكونوا لنعم الله شاکرین»<sup>۱</sup>. امام عسکری (ع) می فرماید: رسول خدا (ص) این چنین فرمود که بندگان خدا! بر شما باد به اعتقاد به ولایت اهل بیت (ع) و اینکه بین ما جدایی نیندازید؛ همه اهل بیت (ع) و خود پیامبر (ص) یعنی چیزی که از آن به عنوان عترت یاد کرده، «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي»، بین ما تفرقه و جدایی نیندازید، یعنی هم به قرآن و هم به من و هم به اهل بیت (ع) اعتقاد داشته باشید و ببینید چگونه بر شما وسعت ایجاد کرد. سپس گشایشی که خداوند برای بندگان خدا قرار داده را تشریح می کند. اولاً برای شما حجت را واضح و آشکار کرد؛ برای چه؟ برای اینکه معرفت حق را برای شما تسهیل کند. این همان سرمایه هایی است که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است. بعد در عین حال تقیه را برای شما به عنوان یک مسیر قرار داد تا از مردمان بد محفوظ باشید. اینجا چند مرحله است؛ بعد از آن، اگر تغییر کردید و به یک راه دیگری رفتید و خطا رفتید، برای شما در صورتی که البته خودتان بخواهید و متغیر و متحول شوید، راه توبه را قرار داد؛ و باز راه قبول توبه را.

امام عسکری (ع) این مطالب را در ذیل این آیه می فرماید، آن هم از قول رسول خدا (ص). اگر اسم اینها گشایش نیست، پس چیست؟ خدا خود اهل بیت (ع) و ولایت آنان را به عنوان حجت برای ما قرار داد. حجت برای اینکه حق را بشناسیم و بیراهه نرویم؛ با این حال به ما این فرصت و این امکان را داد که اگر یک وقت گرفتار مردمان نابکار شدیم، تقیه کنیم، برای اینکه از مزاحمتها و اذیتها در امان باشیم؛ باز هم اگر به انحراف و بیراهه رفتیم، راه توبه را برای ما قرار داد؛ بعد راه پذیرش توبه را قرار داد. با این همه نعمت، نباید شاکر باشید؟ لذا می فرماید: «فكونوا لنعم الله شاکرین»، شکر خدا را به جا بیاورید.

این روایت در واقع دارد تطبیق می دهد، این دو نعمت را بر اهل بیت (ع)؛ همانطور که ما عرض کردیم، این تطبیق آیه بر مورد است و الا تفسیر نیست؛ تفسیر همان است که ما قبلاً عرض کردیم.

### **بخش دوم: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ»**

پس از اشاره به آن دو نعمت مادی خوردنی یا خوردنی و نوشیدنی، می فرماید شما از آن نعمتها و چیزی که به عنوان رزق دادیم، از طیبات آنها بخورید. «مِنْ» در اینجا در واقع نمی خواهد بگوید که مثلاً برخی طیبات را نباید بخورید و برخی را بخورید؛ طیباتی که اینجا به بندگان عطا شد به عنوان نعمت به دنبال درخواست بنی اسرائیل، دو تا بیشتر نبود؛ آنجا فرمود از اینها بخورید. این دو هم طیب بود، نه اینکه خداوند یک چیزهایی به اینها داده باشد که طیب نبودند. اینجا برخی احتمال داده اند که «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» اشاره به این دارد که یک مقدار قلیل و جزئی و بعضی از

<sup>۱</sup>: تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۱.

طبیاتی که ما به شما می‌دهیم بخورید و بیاشامید؛ یعنی کآن دارد دستور می‌هد به کم خوردن. آن وقت یک استفاده کلی کرده‌اند که کم‌خوری سفارش قرآن است و این منافع بسیاری برای صحت بدن دارد؛ چون در مقابله‌اش پر خوری موجب بیماری و مشکل و سوءهاضمه می‌شود.

لکن «من» در اینجا به معنای بعض هم که باشد، معنایش این نیست که مثلاً یک مقدار کمی بخورید و بخواید دستور به کم‌خوری داده باشد. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» یعنی به اندازه‌ای که نیاز دارید؛ آنچه خداوند عطا کرده بود، چه به صورت من و چه به صورت سلوی، این از حد نیاز آنها بیشتر بود. امکان انبار کردن و ذخیره‌سازی فراهم بود؛ اینجا خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید شما به اندازه‌ای که نیاز دارید بخورید. یعنی مازاد بر نیاز نخورید و اسراف نکنید. درست است، می‌خواهد بگوید بیش از حد نخورید اما نه اینکه بخواید اشعار به کم‌خوری داشته باشد، بلکه می‌گوید بیش از نیازتان مصرف نکنید و اسراف نکنید؛ این امر در واقع دستور به استفاده از این دو نعمت به اندازه است و در واقع نهی از ذخیره‌سازی. می‌خواهد بگوید بخورید و در خانه‌ها نبرید و آن را ذخیره کنید. مقداری که می‌خواهید بخورید و بقیه را نه ذخیره کنید و نه اضافه بر نیاز از آن استفاده کنید.

این هم درست است که امر است، اما عرض کردم یک امری است که کنایه از نهی است. فقط یک مسئله هست و آن اینکه «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» با بخش بعدی یعنی «وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» چه نسبت و ارتباطی دارد. «ما ظلمونا» فقط ناظر به همین است یا نه؟

#### **بحث جلسه آینده**

ان شاء الله در بخش سوم به این مطلب خواهیم پرداخت. بخش دوم نکته دیگری ندارد و بخش سوم را ان شاء الله در جلسه آینده خواهیم گفت.

«والحمد لله رب العالمين»